

زنان

یادداشت

ساده نباید گذشت

سیده نرگس حسینی
دبیرگروه زنان
nhossein93@chmail.ir

چند وقتی است که مبحث حجاب به یکی از چند موضوع صدر اخبار و تحلیل‌ها تبدیل شده است.

در این مدت شاهد اقدام‌های نهادها و تحلیل‌های افراد بودیم که در بسیاری مواقع خالی از افراط و تفریط نبودند. موضوع آنقدر اهمیت پیدا کرده بود که رهبری در دیدار با مسئولان نظام گرچه در اشاره‌های پایانی اما به این موضوع پرداختند. سخنان کوتاه ایشان تکلیف خیلی نگاه‌ها را روشن کرد. واجب سیاسی و واجب شرعی بودن حجاب، همراه بودن ضعیف‌الحجاب‌ها با دین و حاکمیت و لزوم با برنامه و با قاعده عمل کردن در این حوزه از جمله نکاتی بودند که روشن‌کننده بسیاری از ابهام‌ها بود.

با وجود این اما همچنان سؤال‌های بسیاری با بر جاست: اساساً استفاده از این تعابیر از سوی رهبری چه معانی و الزاماتی در درون خودش دارد؟ ایرادها در سیاستگذاری‌ها و اقدام‌های گذشته چه بوده‌اند؟

اکنون چگونه می‌توان عمل کرد که طبق اصول و قاعده و کارآمد باشد؟ و سؤال‌های دیگری که نباید از کنار آنها ساده گذر کرد که در غیر این صورت وضع همان گونه خواهد بود که پیش از این بوده است.

ما هم در این شماره تلاش کردیم به بخشی از این سؤال‌ها بپردازیم و در شماره‌های آتی نیز به فراخور موقعیت و فرصت به این موضوع خواهیم پرداخت.



گفت‌وگویی «ایران جمعه» با حجت‌الاسلام علی غلامی

عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و رئیس کارگروه زن و خانواده مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

حجاب یک واجب شرعی و «سیاسی» است

با حجت‌الاسلام علی غلامی، دکترای مطالعات زنان، عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و رئیس کارگروه زن و خانواده مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی گفتیم که در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

است؛ آنجا محدودیت دولتی نیست، قانونی است و شرعی است؛ کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. « تلقی امر سیاسی کردن از حجاب موضوعی قابل تأمل است که برای بررسی بیشتر آن گفت‌وگویی

مسأله حجاب یکی از موضوع‌هایی بود که ۱۵ فروردین ماه رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان نظام درباره آن سخن گفتند. ایشان نکات مختلف و مهمی در این زمینه مطرح کردند که یکی از آنها این بخش بود: «مسأله حجاب محدودیت شرعی و قانونی

مقابل انقلاب اسلامی، دشمن از انقلاب جنسی دفاع می‌کند و تقابل خود با ساختار سیاسی حاکم را از طریق تغییر در سبک زندگی پی می‌گیرد و در این میان، بی‌حجابی به مثابه کنش سیاسی در این بافتار است.

در مقابل، عقلانیت توحیدی که حکومت اسلامی در پی آن است درصدد است تا با زدودن زنگارهای جهل و با تعدیل شهوات، سرچشمه‌های عقل را به جوشش آورد. طبیعتاً این نگاه حکومت اسلامی به حجاب، علاوه بر مخالفت جریان‌های فمینیستی (به اصطلاح طرفداران زنان)، مخالفت دشمنان حکومت دینی را نیز برانگیخته است. پس اگرچه حجاب از کانون مطالبه، به کانون مخالفت منتقل شد اما همواره نسبت خود با امر سیاسی را حفظ کرد و اثباتاً یا نفیاً، در مقابله با حکومت مورد استفاده قرار گرفت.

اینکه حجاب به مثابه واجبی شرعی و سیاسی تلقی شود، چه اهمیت و کارکردهایی خواهد داشت؟

این مسأله از دو بعد توده مردم و وظیفه کارگزاران سیاسی قابل بررسی است. از منظر توده مردم، با خطاب واجب شرعی، رهبر معظم انقلاب مسئولیت صیانت از حجاب را برای عموم مردم تخلص‌ناپذیر معرفی کردند. گرچه همچون نگرش به محدوده حجاب، نگرش جامعه نسبت به اصل حجاب با کاهش روبه‌رو بوده اما همچنان در وضعیت خوبی قرار دارد و بخش زیادی از جامعه پوشیدگی را برای زنان لازم می‌دانند. درست است که برخی حجاب سر را دوست ندارند (حتی اگر به آن به عنوان یک مطالبه دینی درست اعتقاد داشته باشند) و بعضی دیگر هم حجاب را جزو دستورات اصلی دین قلمداد نکرده و آن را مساوی بی‌حیایی تلقی نمی‌کنند و برخی دیگر نیز از آن به عنوان ابزار

انتقاد و مقاومت اجتماعی در برابر وضع موجود استفاده می‌کنند، اما تأکید بر وجوب همزمان شرعی و سیاسی حجاب می‌تواند بهانه‌های توده مردم برای نفی حجاب را به حداقل رساند. واقعیت آن است که برخی ضعیف‌الحجاب‌ها، تعلقات معنوی و مذهبی دارند و باورهای بعضی از آنها گاه از برخی محجبه‌ها محکم‌تر است و آنان، با عبادات مانند نماز انس مداوم دارند. تأکید بر واجب شرعی بودن حجاب می‌تواند این دسته از مردم را بیش از پیش متوجه تخلف‌ناپذیری این حکم الهی سازد. از سوی دیگر، همه ما برخی زنان ضعیف‌الحجاب ایرانی را در مناسبت‌های سیاسی دفاع از انقلاب مشاهده کرده‌ایم و تلقی از حجاب به مثابه واجب سیاسی، می‌تواند آنان را به رعایت حجاب از این منظر ترغیب کند. وظیفه کارگزاران و متصدیان فرهنگی، در امتداد جهاد تبیین، حفظ تعلق خاطر آنان به نظام است.

در خصوص وظیفه کارگزاران باید توجه داشت که از نخستین روزهای پس از انقلاب پرسش سیاست مناسب در قبال مسأله حجاب پرسش شایع در ارگان‌های گوناگون حاکمیت است. با توجه به آنکه ترکیبی از چالش‌های نظری - معرفتی، گفتامی، سیاسی، سیاستی، برنامه‌ای و... در حاشیه موضوع حجاب رخ می‌نماید پرداختن به آن از سوی مسئولین حاکمیتی را با دشواری‌های متعددی مواجه می‌سازد. روشن است که حجاب به حوزه‌های متنوعی همچون حوزه هنر و محصولات فرهنگی، رسانه و افکار عمومی، آموزش تخصصی و عمومی، بازار و اقتصاد حجاب و پوشش، حقوقی و کیفری و حوزه سیاسی و انتظامی مرتبط است. این حوزه‌های متنوع و نیز تنوع گروه‌های مرجع و مؤثر در ترغیب یا گریز از حجاب (معلم‌ها و اساتید، خانواده، هنرمندان، سلبریتی‌ها، ورزشکاران، فعالین رسانه‌ای، روحانیون و...) دامنه وسیعی از نهاد‌های حاکمیتی را دارای مسئولیت نسبت به اندیشه‌سازی، آگاهی بخشی، ذائقه‌سازی، گفتام‌سازی، فرهنگ‌سازی، جریان‌سازی و شبکه‌سازی در این موضوع می‌سازد.

نهادهای و دستگاه‌های درگیر با حوزه حجاب و

پوشش، نسبت به پدیده‌ها و مسائل روزافزون این حوزه غالباً مواجه پسینی و تأخیری داشته و صرفاً واکنشی عمل می‌کنند. این اعلام موضع رهبری معظم، می‌تواند رویکرد انفعالی و واکنشی موجود نسبت به عفاف و حجاب را به رویکرد فعال و کنشی بدل سازد. انباشتی از قوانین و اسناد در این زمینه هستیم اما در ساحت اجرا و عمل، بخش ناچیزی از آنها در دستور اجرا قرار گرفته و از میان دستگاه‌های مختلف حاکمیتی معدودی از این دستگاه‌ها به وظیفه خود عمل کرده و لاجرم عمدتاً روح حاکم بر سیاست‌های حجاب، اقدامات سلبی و پلیسی، سیاست تقنینی و اقدامات کیفری و تعزیری بوده است. در چنین شرایطی رهبری، کل حاکمیت را مسئول این امر دانست. همچنین دیدن حجاب از منظر سیاسی علاوه بر فقهی و دینی، کمک خواهد کرد وظیفه صیانت از آن صرفاً برعهده متصدیان دینی و فرهنگی نباشد و مسئولین سیاسی نیز به حرمت اقداماتی که منجر به توسعه بی‌حجابی می‌شود توجه کنند.

از جانب دولت‌ها و جریان‌های سیاسی تنوعی از رویکردها در طی ادوار مختلف پیرامون این موضوع دنبال شده و از این جهت تقریباً وحدت رویه‌ای قابل رؤیت نیست. برخی کارگزاران، حجاب را به مثابه امری صرفاً شرعی و شخصی که دولت نباید در آن دخالت کند، می‌نگریستند اما سخنرانی اخیر رهبری مانع از فردی و سلیقه‌ای تلقی شدن حجاب شد. واقعیت آن است که اقدامات و واکنش‌های غیررسمی مسئولان در رده‌های مختلف و عملکردهای متضاد و متناقض دستگاه‌های مختلف در قبال این موضوع منجر به عدم موفقیت سیاست‌های اتخاذی در ترویج حجاب می‌شود. تلقی حجاب به عنوان واجبی سیاسی می‌تواند مانع از این مواضع چندگانه و ارتقای همگرایی مسئولین و دستگاه‌ها شود.

از در پیچه واجب سیاسی

دیدن حجاب شما دیگر صرفاً یا یک مسأله اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو نیستید بلکه با یک ناهنجاری سیاسی و مهم‌تر از آن تلاش برای به‌هم‌ریختن نظم عمومی کشور مواجه هستید. به بیان دیگر، بی‌حجابی تقویت موضع دشمنی است که امروزه خصمانه با این ملت و با این کشور روبه‌رو شده است. البته رفتارهای نسنجیده و غلط برخی از عناصر درون حاکمیت نیز سیاسی بودن این امر را تقویت کرده است

رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام در خصوص حجاب از تعابیر حرام شرعی و حرام قانونی استفاده نمودند. به نظر شما علت استفاده از این تعابیر چه بود؟

گناه وقتی به عرصه اجتماعی می‌آید و تبعات آن به عموم جامعه برمی‌گردد، اثر سیاسی از خود باقی می‌گذارد و تبعاتش فراتر از یک ناهنجاری می‌رود؛ حتی نظم و آرامش جامعه و به نوعی امنیت مردم و کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ لذا به صورت تکلیف‌آور درمی‌آید و همچون مسأله حجاب به عنوان وظیفه ذاتی، محل ورود و دخالت حاکمیت اسلامی می‌شود. با توجه به تعهد حاکمیت به پیاده‌سازی احکام الهی، طبیعی است که خلاف اراده حاکمیت عمل کردن در سطح عمومی، می‌تواند جنبه سیاسی و مخالف‌خوانی با حاکمیت نیز به خود بگیرد. از همین رو است که کشف حجاب در حال حاضر ابزار سیاسی دشمن علیه جامعه و حاکمیت اسلامی شده است؛ بنابراین شما از این دریچه صرفاً با یک مسأله اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو نیستید بلکه با یک ناهنجاری سیاسی و مهم‌تر از آن با یک اقدام سیاسی و تلاش برای به‌هم‌ریختن نظم عمومی کشور مواجه هستید. به بیان دیگر، بی‌حجابی تقویت موضع دشمنی است که امروزه خصمانه با این ملت و با این کشور روبه‌رو شده است.

البته رفتارهای نسنجیده و غلط برخی از عناصر درون حاکمیت نیز سیاسی بودن این امر را تقویت کرده. همچنین اینکه بعضی‌ها در شرایط هیجانات سیاسی بویژه در حوادث اخیر، برای نوعی مقاومت در برابر حاکمیت و نشان دادن نارضایتی کشف حجاب می‌کنند درصد جنبه سیاسی - اعتراضی بی‌حجابی را خیلی بالا می‌برد.

استفاده از این تعبیر نشان می‌دهد که نظام سیاسی ما باید با تدابیر پیشگیرانه و مداخله‌ای، از این حکم الهی پاسداری و نظام سیاسی را در مقابل تهدیدات دشمن، مصون نگاه دارد. همچنین رعایت حجاب «وظیفه شرعی مسلمانان» است و مکلف بودن مسلمانان به آن عنصری از حق بر دین‌داری است؛ در نتیجه مردم انتظار دارند حاکمیت نسبت به احقاق حق آنان مبادرت نماید.

آیا نسبت حجاب با سیاست امری مربوط به اکنون و مسأله‌ای نوپیدا است؟

خیر، حتی فقط مربوط به پس از انقلاب نیست؛ همزاد با مبارزات اسلام‌خواهانه مردم با پهلوی اول و در جریان قیام گوهرشاد، حجاب به موضوعی سیاسی بدل شد؛ البته این نسبت، با پیروزی انقلاب اسلامی پررنگ‌تر شد تا آنجا که حجاب به مرز تاریخی بین دوره پهلوی و جمهوری اسلامی بدل شد. حجاب در بعد دیگر سیاسی خود به مرز تمدنی هویت اسلامی و هویت غربی تبدیل گردید. از این رو نقش عفاف و حجاب در ایجاد هویت فرهنگی و ملی مستقل برای کشور و ملت برجسته شد. حفظ حجاب زمینه‌ای فراهم می‌سازد که نگاه شی‌انگاران و مصرفی به زن کم‌رنگ شود، زن براساس مزایای علمی، فنی، هنری و شخصیتی‌اش مورد قضاوت قرار گیرد و مشارکت اجتماعی زن و مرد با کم‌ترین استهلاک و بهترین بازدهی تحقق یابد. این در حالی است که نظام سرمایه‌داری با اتکا به عقلانیت فردگرایانه درصدد است تا با انحراف در مفاهیمی چون «آزادی» و «ابتدال در مفاهیمی چون «زندگی»، جوامع انسانی بویژه جوامع مسلمان و به طور خاص ایران را به پررنگه بوج‌گرایی و اباحه‌گرایی بکشاند. در این نگاه، در

